

شوخی جدی با رئیس جمهور آمریکا

«مستول دولت» یک کمدی اکشن جدید سینماست که قرار است با کارها و رفتار یکی از

روسای جمهوری آمریکا شوخی کرده و آن را به بقیه روسای جمهور کشور هم بسط دهد. طرح تولید فیلم از سال ۲۰۲۰ مطرح بوده و طی این مدت، ساخت آن با کارشنکی هایی همراه بوده است. ظاهرا گروهی در صنعت سینما علاقه‌ای به تولید فیلمی با چنین مضمونی ندارند. با وجود این، ادریس الیا، بازیگر سیاهپوست سینما که در فعالیت‌های اجتماعی به نفع اقلیت‌های قومی، بومی و مذهبی آمریکا شرکت فعالی دارد با سماحت فراوان بالاخره توانست امکانات ساخت مسئول دولت را فراهم کند. او در کنار بازی در یکی از نقش‌های اصلی این کمدی اکشن اعتراضی، از تهیه‌کنندگانش هم هست. جان سنا فرمان کشتی کج هم در فیلم بازی دارد.

با آن‌که خط اصلی داستان مسئول دولت لو نرفته، شنیده می‌شود که سنا نقش رئیس جمهور داستان را بازی خواهد کرد. انتخاب او برای ایفای این نقش آگاهانه و عامدانه صورت گرفته است. سنا که برای بسیاری یادآور آرنولد شوارتزگر و تلاش‌هایش برای رسیدن به کاخ سفید است، با قرار گرفتن در نقش رئیس جمهور آمریکای تصویری از رئیس جمهوری ابله و کند ذهن را ارائه خواهد داد که مورد نظر سازندگان فیلم است. نزدیکان به پروژه از آن به عنوان فیلمی یاد می‌کنند که در میانه دو فیلم «ایرفورس وان / هوایماری رئیس جمهور» هریسون فورد و «فرار نیمه شب» رابرت دنیرو قرار می‌گیرد و به‌دنبال تعریف داستانی افشاگرانه در ارتباط با پشت پرده کاخ سفید است. ایلیا نایشولدر برای کارگردانی مسئول دولت انتخاب شده است.



او مدتی قبل درام اکشن «هیچ‌کس» را روی پرده سینماها داشت که به بحث بحران شخصیت در دل جامعه غرب و خشونت موجود در این مکان پرداخته بود.

به گفته الیا، «طی دو سال اخیر تمام تلاشم این بود که پروژه مسئول دولت به نتیجه مطلوب برسد و امکان تولیدش فراهم شود. داستان فیلم بر لبه تیغ حرکت می‌کند و به‌دنبال افشاگری‌های تازه در ارتباط با پشت پرده سیاست و کسانی است که خودشان را به کاخ سفید می‌رسانند. احساس‌م این بود که چنین داستانی باید بالحن و ربانی طنز و کمدی تعریف شود تا بتواند تاثیر بیشتری بر بینندگان داشته باشد. تماشاگران سینما معمولا از فیلم‌هایی که با لحنی جدی به طرح موضوعات مهم روز و مشکلات جامعه می‌پردازند، استقبال زیادی نمی‌کنند. از آنجا که خود این مسائل به اندازه کافی خشک و تلخ هستند، بهتر است به زبانی لطیف و با شوخی و خنده بیان شوند تا در بیننده اشتیاق تماشای آن فراهم شود. تجربه‌های موفق قبلی نشان می‌دهد که این شیوه کار بهتر جواب می‌دهد.»

این فعال اجتماعی و تهیه‌کننده سینما در صحبت‌های خود اشاره‌ای به این نکته نمی‌کند که رئیس جمهور فیلم مسئول دولت، احتمالا قرار است بازتاب‌دهنده رفتار کدام‌یک از روسای جمهور آمریکا باشد. با این حال، رسانه‌ها در رابطه با حدس و گمان‌های خود به نام دونالد ترامپ اشاره می‌کنند که قصد دارد برای دور بعدی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا دوباره خودش را نامزد کند و با نوع رفتار و گفتارش، خوراک‌های تبلیغاتی زیادی برای رسانه‌های گروهی فراهم کرده است. وراپتی



«سمپاش» ۴۵ جایزه بین‌المللی

پویانمایی «سمپاش» ساخته فروش عایدی تاکنون بیش از ۴۵ جایزه ملی و بین‌المللی را در کارنامه خود ثبت کرده است.

این پویانمایی ۹ دقیقه‌ای سال ۱۴۰۰ در کانون پرورش فکری با تکنیک سه بعدی (۳D) برای کودکان و نوجوانان بالای هفت سال تولید شده است.

این پویانمایی تاکنون از انگلستان سه جایزه، ایران یک جایزه، پرو یک جایزه، برزیل یک جایزه، آمریکا ۱۲ جایزه، ایتالیا

در یکی از صحنه‌های پایانی فیلم «غلاف تمام فلزی» ساخته استنلی کوبریک، یک گروه کماندویی ارتش آمریکا برای تصرف پایگاه مهم ویتنامی‌ها، ساعت‌ها درگیر می‌شوند و افراد بسیاری از دست می‌دهند. گویی تعداد زیادی از ویت‌کنگ‌ها در آن پایگاه مشغول مقاومت هستند اما وقتی بعد از تلفات سنگین به داخل آن می‌رسند، می‌بینند تنها یک دختر جوان ویت‌کنگ، در همه آن ساعات با آنها مقابله کرده بود. آنچه کوبریک در این صحنه بیش از قهرمانی آن دختر ویت‌کنگ در برابر خیل کماندوهای آمریکایی به تصویر کشید، آثار سنگین شکست در چهره تک‌تک آن سربازان بود. این شاید تکان‌دهنده‌ترین صحنه تاریخ سینما باشد برای نمایش فروپاشی یک ارتش مستحضر تا دندان مسلح اما متجاوز در برابر ملت‌ی که از سرزمینش دفاع می‌کرد؛ ملت و سرزمینی که آمریکا مدعی آزادسازی آنها بود. اگرچه هالیوود با ساخت فیلم‌های سوپر هیرویی همچون سوپرمن و اسپایدرمن و بن‌من و مرد آهنی و کاپیتان آمریکا و اونجرز و ... ده‌ها سال است ادعای آزادسازی و نجات مردم جهان را دارد اما در ماجراهای واقعی چندان نتوانسته تصاویر جعلی خود را به خورد مردم جهان دهد. به‌رغم دهه‌های متمادی سانسور قتل‌عام سرخپوستان در سینما و همچنین قرن‌ها کتمان استثمار و برده‌کشی از ملت‌های آفریقایی که به قربانی شدن بیش از ۲۰۰ میلیون نفر از آنها انجامید، سرانجام بخشی ولو ناچیز از ظلم و ستمی که در حق رنگین‌پوستان روا داشتند از گوشه‌های برخی آثار سینمایی بیرون زد؛ اگرچه در آنها هم به گونه‌ای نژادپرستانه، باز رنگین‌پوستان را درجه دو حساب کردند و خود را منجی و نجات‌بخش آنها نشان دادند، از جمله در رقصنده با گرگ‌ها (کوین کاستنر)، ۱۲ سال بردگی (استیو مک‌کوین)، جانگوی رها شده (کویتینن تاراتینو) و

تجاوز نظامی به ویتنام

اما فیلم‌های دیگری هم که درباره تجاوز آمریکا به ویتنام ساخته شدند، کم‌وبیش همین واقعیات را در برداشتند. حتی فیلم پروپاگاندایی همچون شکارچی گوزن، ساخته مایکل جیمینو در سال ۱۹۷۸ (که اسکار بهترین فیلم را دریافت کرد) اگرچه در یک نگاه نژادپرستانه، ویتنامی‌ها را وحشی نشان می‌داد اما نتوانست شکست و فرار خفت‌بار آمریکاییان را در انتهای فیلم به تصویر نکشد. حتی فیلم پیچیده و تبلیغاتی فرانسیس فورد کوپولا در سال ۱۹۷۹ یعنی... واینک آخرالزمان نیز به‌رغم ارائه تصویری کج و معوج و شخصیتی دیوانه و مجنون از سرهنگ مخالف جنگ در ویتنام، اما صحنه حملات دیوانه‌وار هلیکوپترهای آمریکایی به همراه سمفونی ریچارد واگنر و بمباران روستاهای ویتنام با ناپالم و احساس خوب فرمانده آمریکایی از بوی ناپالم، حکایت اجملی یکی از ضد بشری‌ترین تجاوزات نظامی تاریخ است.

تریلوزی الیور استون درباره جنگ

سه‌گانه الیوراستون درباره ویتنام نیز دستاورد آمریکایی‌ها برای آزادسازی ملت‌ها را جز جنگ و خونریزی و زیرپاگذازدن همه شخصیت انسانی و هویت بشری نشان نداد. او در فیلم خوچه (۱۹۸۶)، اگرچه قصد داشت برخی جنایاتی که در جنگ ویتنام، متوجه سربازان آمریکایی شده را توجیه و آنها را تبرئه کند اما ناگزیر به توحش افسارگسیخته آن جنگ پرداخت که سربازان آمریکایی علاوه به آتش کشیدن دهکده‌های

تئوری زمین سوخته در جنگ بالکان و عراق

آمریکایی‌ها در جنگ بالکان و در جریان اشغال عراق، بازهم ادعا کردند برای آزادسازی مردم آن سرزمین‌ها لشکرکشی کرده‌اند اما در هیچ‌یک از فیلم‌هایی که عمدتاً درباره جنگ ۱۹۹۰ بالکان ساخته شد مثل پشت جبهه دشمن (جان مور) یا سرزمین خون و عسل (آنجیلینا جولی) همچنین آثار سینمایی درباره اشغال عراق همچون محفظه رنج (کاترین بیکلو) یا تک‌تیرانداز آمریکایی (کلینت ایستوود) و حتی در دره اله (پال هگیس) سخا ی تصویری از سلاح جدید مرکبار آمریکایی‌ها به میان نیامد. آمریکاییان در جنگ بالکان و اشغال عراق، از اورانیوم ضعیف‌شده در بمب‌ها و گلوله‌ها استفاده کردند تا به قول خودشان از میدان جنگ با دشمن، یک زمین سوخته به دست آورند! استفاده از اورانیوم ضعیف شده علاوه بر موثرتر کردن نفوذ گلوله‌های مختلف اعم از تفنگ، تانک و توپ، به عنوان گیرنده‌های قوی اورانیوم در بدن قربانیان نیز عمل کرده تا همچون عملکرد بمب اتمی، این بار در یک فاصله زمانی طولانی، نسل یک سرزمین و ملت را از بین برده و زمین سوخته حاصل آورند.

پویانمایی «سمپاش» ساخته فروش عایدی تاکنون بیش از ۴۵ جایزه ملی و بین‌المللی را در کارنامه خود ثبت کرده است.

این پویانمایی ۹ دقیقه‌ای سال ۱۴۰۰ در کانون پرورش فکری با تکنیک سه بعدی (۳D) برای کودکان و نوجوانان بالای هفت سال تولید شده است.

این پویانمایی تاکنون از انگلستان سه جایزه، ایران یک جایزه، پرو یک جایزه، برزیل یک جایزه، آمریکا ۱۲ جایزه، ایتالیا

هشت جایزه، ترکیه یک جایزه، روسیه یک جایزه، اتریش یک

جایزه، تایوان یک جایزه، یونان یک جایزه، فرانسه دو جایزه، کره جنوبی دو جایزه، اوکراین یک جایزه، کانادا یک جایزه،

اکوادور یک جایزه، رومانی یک جایزه، استرالیا دو جایزه، آلمان یک جایزه، فیلیپین یک جایزه، جمهوری چک یک جایزه و

جمهوری دومینیک یک جایزه را دریافت کرده است. این انیمیشن در مورد دیار و سرزمینی است که در آن رویش

به بهانه ادعای رئیس جمهور آمریکا درباره آزاد کردن ایران

بایدن و توهم جدید آزادی هالیوودی



از جنایت اتمی هیروشیما و ناکاراکی هم درناک‌تر بود. همه سوختند، همه ...»

کودتاها و تجاوزات نظامی با ادعای آزادی ملت‌ها

اگرچه هالیوود درباره جنگ کره، ویتنام و جنگ‌های جهانی که ارتش ایالات متحده آمریکا در آنها حضور داشت، ولو با تحریف و سانسور فیلم‌های متعددی تولید کرد اما درباره کودتا‌های نظامی که در دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی، در آمریکای لاتین و آفریقا، با ادعای آزادی ملت‌ها انجام شد، فیلمی جلوی دوربین نبرد. کودتا‌هایی که با سرنگونی دولت مردمی گواتمالا در سال ۱۹۵۴ شروع شد و سپس دولت‌های مردمی برزیل (۱۹۶۴)، آرژانتین (۱۹۶۶)، پرو (۱۹۶۸)، بولیوی (۱۹۶۹) و اروگوئه (۱۹۷۳) را توسط عوامل و عناصر آمریکایی سرنگون کرده و حکومت‌های نظامی را جایگزین آنها کردند.

در سپتامبر ۱۹۷۳ نیز حکومت مردمی سالوادور آئنده در شیلی با توطئه‌های مختلف از جمله اعتصاب کامیون‌داران و زنان قابل‌به دست و شرکت ITT توسط ژنرال پیئوشه از عوامل سازمان سیاست‌شاد شد و در تمام این کودتا‌ها مقامات آمریکایی هدف خود از کمک به کودتاچیان را تلاش برای آزاد کردن کشورهای یاد شده و مردم آنها ذکر کردند. اما به جای هالیوود، کشورهای دیگر، فیلم‌هایی درباره برخی از این کودتا‌ها ساختند که جنایات کودتاگران با حمایت آمریکا را به تصویر می‌کشیدند. فیلم‌های شب روی شیلی(سیاستین آلکون – ۱۹۷۷)، نبرد شیلی(باتریشیا گارمن- ۱۹۷۵)، حکومت نظامی (کاستاگوراس- ۱۹۷۲) درباره اروگوئه و ... از جمله همین آثار بودند. سال ۲۰۰۲، مجموعه‌ای مستند از ۱۱ فیلمساز با ۱۱ فیلم ۱۵ دقیقه‌ای به یاد حادثه ۱۱ سپتامبر ساخته شد که یکی از آنها ساخته کن لوچ(فیلمساز معروف انگلیسی) درباره واقعه‌ای بود که حدود ۳۰ سال قبل در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ در شیلی اتفاق افتاده و حکومت آئنده را توسط کودتای آمریکایی از میان برداشته بود. کن لوچ در آن فیلم ۱۵ دقیقه‌ای و از زبان یکی از بازماندگان آن کودتا می‌گفت اگر در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در حادثه برج‌های دوقلوی نیویورکی، حدود ۳۰۰۰ نفر کشته شدند، اما در کودتای شیلی و تنها در قتل‌عام استادیوم سانتیاگو، حدود ۳۰ هزار نفر را به گلوله بستند.

بمباران توکیو: ۲۰۰ هزار نفر در آتش سوختند

در سینمای هالیوود، هیچ فیلم سینمایی‌ای درباره جنایت بی‌سابقه آمریکاییان در بمباران توکیو با ناپالم طی جنگ جهانی دوم ساخته نشد. فیلم‌هایی مانند از اینجا تا ابدیت، فرد زینه‌مان در سال ۱۹۵۳ (که هشت جایزه اسکار هم دریافت کرد) یا فیلم برل هاربر ساخته مایکل بی (۲۰۰۱) یا میدوی به کارگردانی رولند امریش (۲۰۱۹) و ... از آن قتل‌عام جمیع هیچ سخن نگفته و تنها به دفاع ناگزیر آمریکاییان اشاره کردند. اما فیلم مستند مه جنگ به کارگردانی ارول موریس (۲۰۰۳) با تصاویر و فیلم‌های به‌جا مانده از آن واقعه، نشان داد در تاریخ ۹ و ۱۰ مارس ۱۹۴۵، ۲۴۶ بمب افکن B-29 به توکیو حمله کردند و ۱۷۰۰ نفر، بمب آتش‌زا با ماده ناپالم بر سر مردم فرو ریختند. این حملات هوایی از جمله ویران‌کننده‌ترین حملات هوایی تاریخ به شمار آمدند که طی آنها حدود ۲۰۰ هزار نفر از مردم توکیو کشته شدند.

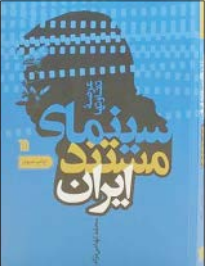
ژنرال رابرت مک نامارا- که در آن زمان از فرماندهان نیروی هوایی ایالات متحده بود و در پایان جنگ نیز مدال افتخار دریافت کرد- در همان فیلم مستند مه جنگ درباره بمباران توکیو گفته: «... این قطعا یک جنایت جنگی بود و مسئولان آمریکایی می‌بایست به خاطر این جنایت جنگی در یک دادگاه بین‌المللی محاکمه می‌شدند. آنها می‌دانستند خانه‌های توکیوزا و چوب ساخته شده و اصلا توکیو یک شهر چوبی است و تنها بصبی که می‌توانست آن شهر چوبی را به ویرانی کامل بکشاند، بمب‌های آتش‌زای ناپالم بودند که به چوب‌ها چسبیده و همه را می‌سوزاندند. آنها در یک روز همه مردم توکیو را در آتش زنده‌زنده کباب کردند. این

کتاب «سینمای مستند ایران»

به چاپ سوم رسید

چاپ سوم کتاب «سینمای مستند ایران؛ عرصه تفاوت‌ها» تألیف محمد ته‌می‌نژاد از سوی انتشارات سروش منتشر و روانه بازار نشر شد.

علاقه‌مندان به هنر سینمای مستند در این کتاب ضمن مروری بر تاریخچه سینمای مستند در ایران؛ فراز و نشیب‌های سینمای مذکور (گزارش‌هایی از برگزاری انواع جشنواره‌های سینمای مستند) را مطالعه می‌کنند. کتاب با تعریفی از سینمای مستند و محدوده‌های آن آغاز می‌گردد، سپس تحولات این سینما در پیش از انقلاب و پس از آن بررسی می‌شود. افزون بر آن، بسیاری از فیلم‌های مستند ساخته‌شده در هر دو دوره به گونه مصور و به اجمال معرفی می‌شود. آوردن بحث‌های نظری در کنار اشاره به مصادیق عینی تاریخ سینمای مستند از خصایص این کتاب است. اشاره به فیلم‌های مستند، تعریف و محدوده هنری و نظری تحقیق، دوره نمایش بر پرده، انقلاب اسلامی و تصویر و دهه ۷۰ دهه ویدئو، عناوین فصول این کتاب است. محمد ته‌می‌نژاد سال ۸۱ در پی انتشار این کتاب به عنوان سینماگر و پژوهشگر نمونه سینمای مستند کشور معرفی شد. چاپ سوم این کتاب در ۲۶۸ صفحه مصور و زبیری، شمارگان ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۹۰ هزار تومان توسط انتشارات سروش در اختیار علاقه‌مندان به مباحث این حوزه قرار گرفته است.



برای فیلم ابرقهرمانی باید مزدور باشی

کوئنتین تارانتینو که در حال تبلیغ کتاب جدیدش با عنوان «تعمقی در سینما» است در مصاحبه جدید خود با لس آنجلس تایمز امکان سکنداری باکس آفیس امروزی را رد کرده و گفته حاضر نیست سازنده یک فیلم ابرقهرمانی با بودجه کلان باشد. وی با قاطعیت امکان کار کردن برای مارول و ورود به دنیا دی‌سی را رد کرده و گفته است کارگردان‌های مارول صرفا اجیرشده هستند.

تارانتینو که زمانی در فکر اجرای یک کسرت ابرقهرمانی بود و حتی به کارگردانی یک فیلم از مجموعه فیلم‌های «پیششاران فضا» فکرمی کرد، دیگر چنین فکری ندارد و این ایده برایش رنگ باخته است. وی گفت: برای انجام این کارها باید مزدور باشی. من که دنبال کار نمی‌گرم. این کارگردان، فیلم‌های ابرقهرمانی را مانند فیلم‌های موزیکال استودیوهای بزرگ هالیوودی در دهه ۱۹۶۰ دانست و گفت همان قدر خفه‌کننده هستند. وی گفت: کارگردان‌های امروزی نمی‌توانند منتظر بنشینند که فیلم‌های ابرقهرمانی از رونق بیفتد.

